

استفتاء

از رهبر شهید انقلاب اسلامی

اعمال شب اول دفن

س) چه اعمالی برای شب اول قبر سفارش شده است؟

ج) در شب اول دفن، دادن صدقه و خواندن نماز هدیه (وحشت) برای میت سفارش شده است؛ از پیامبر رحمت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده که فرمودند: ساعتی شدیدتر از شب اول بر میت نمی‌گذرد، پس با صدقه دادن، به مردگان خوشی رحم کنید و اگر (صدقه) نیاقتید، (حقاقل) یک نفر از شما دو رکعت نماز (شب اول دفن) به‌جا آورد.

صحت قرائت در اقتدا به امام جماعت

س) به امام جماعتی که عدالت او محرز است، ولی صحت قرائتش برای من معلوم نیست: آیا می‌توانم بنا را بر صحت بگذارم و اقتدا کنم؟

ج) بله، می‌توانید اقتدا کنید.

عمل به وصیت‌های سلبی

س) آیا عمل به وصایای سلبی متوفی (که در واقع وصیت به انجام ندادن یک کار است) واجب است؟ مثلاً وصیت کند برای من سنگ قبر نگذارید و...؟

ج) عمل به وصایای میت واجب است و تفاوتی میان وصیت ایجابی و سلبی نیست.

خواندن نماز قبل از وقت

س) بعد از مدت مدیدی، مثلاً شش ماه، برای شخصی محرز می‌شود که نماز صبح‌هایی را که در این مدت می‌خوانده، چند دقیقه‌ای قبل از وقت بوده است؟ آیا باید شش ماه نماز صبح را قضا کند؟

ج) غیر از نماز اول، بقیه نمازها (هرچند به نیت ادا اقامه شده باشند) به عنوان قضای نماز صبح روز قبل محسوب می‌شوند؛ بنابراین اگر فقط قضای آخرین نماز صبح را به‌جا آورد، کفایت می‌کند.

خمس جهیز به استفاده‌نشده

س) شخصی برای دخترش که در شرف ازدواج است جهیز به را آماده کرده، ولی به دلایلی مانند فوت دختر یا طلاق و... مورد استفاده قرار نگرفته و الآن نزد پدر است؛ آیا پدر باید خمس آن را بدهد یا آنکه مؤونه محسوب شده و خمس ندارد؟

ج) بنابر احتیاط مشمول خمس می‌گردد.

شکستن نذر روزه

س) کسی نذر کرده روز عینی را روزه بگیرد، اما به هر دلیل اعم از ععد، نسیان و... به این نذر عمل نمی‌کند؛ آیا باید روزه را قضا کند؟

ج) بله، باید قضا کند و اگر ععداً نذر را شکسته است، کفاره دارد.

مصرف کفاره

س) مبلغی کفاره به مرکز نیکوکاری داده شده:

۱- آیا حتماً باید نان تهیه شود و به مستمند داده شود؟

۲- آیا می‌شود وجه نان را به صورت کارت هدیه به نیازمند

بدهیم و تأکید کنیم که نذر نان هست و باید حتماً نان تهیه کنید؟

۳- آیا باید نان با قیمت دولتی تهیه شود و یا نان تهیه‌شده با

آرد آزاد هم اشکال ندارد؟

۴- آیا می‌شود با این پول ماکارونی تهیه کنیم و به نیازمندان

بدهیم؟

ج)

۱) اگر مبلغی که به عنوان کفاره از افراد گرفته‌اید، بابت نان بوده و قیمت نان با سایر موادی که پرداخت آن برای کفاره صحیح است یکسان نباشد، فقط می‌توانید نان را به فقیر بدهید.

۲) بیان اینکه نذر نان است صحیح نیست، بلکه باید به فقیر توضیح داده و مطمئن باشید که با این مبلغ برای صاحب پول نان می‌خرد و بعد به عنوان کفاره برای خودش برمی‌دارد.

۳) در صورتی که مبلغ جمع‌آوری‌شده به قیمت نان دولتی باشد، نمی‌توانید نان آزاد تهیه کنید.

تعیین مقامات معنوی بندگان فقط در دست خدا است

اصولاً حساب اشخاصی در دست خداست، هیچ‌کس حق ندارد درباره کسی به‌طور قاطع اظهار نظر کند که اهل بهشت است یا اهل دوزخ؟ اگر از ما بپرسند: آیا شیخ مرتضی انصاری (علی الله مقامه) با آن زهد و تقوا و ایمان و عمل شناخته‌شده‌اش حتماً اهل بهشت است یا نه؟ پاسخ ما این است که: آن اندازه که ما از آن مرد اطلاع داریم، این است که در نظام ملتی و عملی او، بدی بسیار نداریم، آنچه بسیار داریم خیر و نیکی است؛ اما اینکه صددرصد بگوییم اهل بهشت است، در اختیار ما نیست؛ خداست که بر همه ضمایر اشخاص، مطلع است و تمام اسرار و خفایای نفوس را می‌داند و حساب خلاق نیز با او است.

تنها درباره کسانی می‌توان به‌طور قاطع اظهار نظر کرد که از طریق اولیای دین سرشونت نهایی آن‌ها اعلام شده است.

اصلاح فکر درباره مقامات معنوی انسان‌ها
با اینکه عثمان بن مظعون، مرد جلیل‌القدری است و رسول اکرم در مرگ او سخت گریستند و خود را روی جنازه وی انداختند و او را بوسیدند؛ ولی از اظهار نظر گستاخانه زنی که جنازه وی را مخاطب ساخته گفت: «هَیْثُمَا لَکَ الْجَنَّةُ، بهشت، تو را گوارا باد».

حضرت خشمگین شدند، با تگاهی غضب‌آلود متوجه وی شده فرمودند: «ز کجا می‌دانی؟ چرا ندانسته قضاوت می‌کنی؟ مگر به تو وحی شده است؟ مگر تو از حساب خلق خدا آگاه‌ای؟»

زن عرض کرد: یا رسول الله! وی همنشین شما و جنگجوی مجاهد شما بود، رسول اکرم (ص) جمله عجیبی در پاسخ وی فرمود که شبان وقت است، فرمود: «إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ وََمَا أَزْری ما یُعْظَلُ بی؛ من فرستاده خدایم و نمی‌توانم با من چگونه رفتار خواهد شد».

این جمله عین مضمون یکی از آیات کریمه قرآن است: «فَلَمَّا مَکَثَ بَعْثًا مِنَ الرُّسُلِ وََمَا أَزْری ما یُعْظَلُ بی وَلَا یُکَلِّمُ» (حقاف) ۹) یگو، من از میان پیامبران، نه‌ظهور و تازه نیستم و خبر ندارم که با من یا شما چگونه رفتار می‌شود!»

❖ مجموعه آثار استاد شهید مطهری (عدل الهی) ج ۱، صص. ۲۷۲-۲۷۴ - با تلخیص و ویرایش

بزرگ‌ترین هدیه یک رهبر به ملت خود

یک رهبر ممکن است هدیه‌ای که به مرمنش می‌دهد هدیه مادی باشد، مثلاً یکی از منابع مادی را که دشمن‌من می‌برده است بگیرد و به ملت پس بدهد.

ممکن است هدیه سیاسی باشد، استقلال سیاسی به ملت خودش بدهد، یعنی ملت معتقد شود که رهبر ما رهبر خیلی بزرگی است.

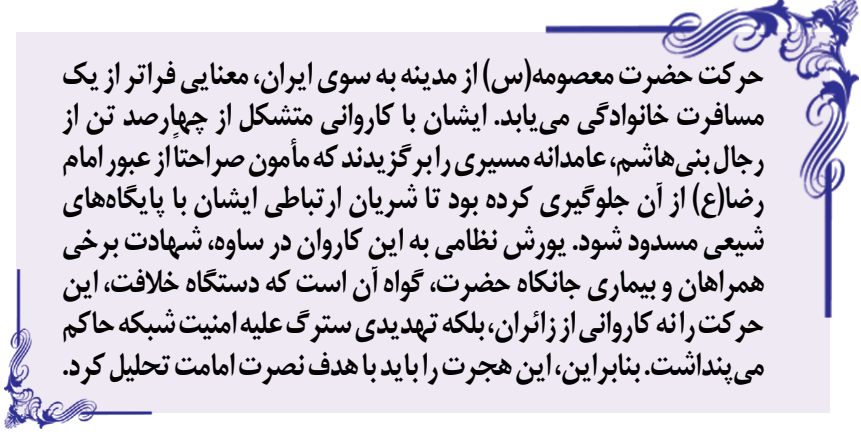
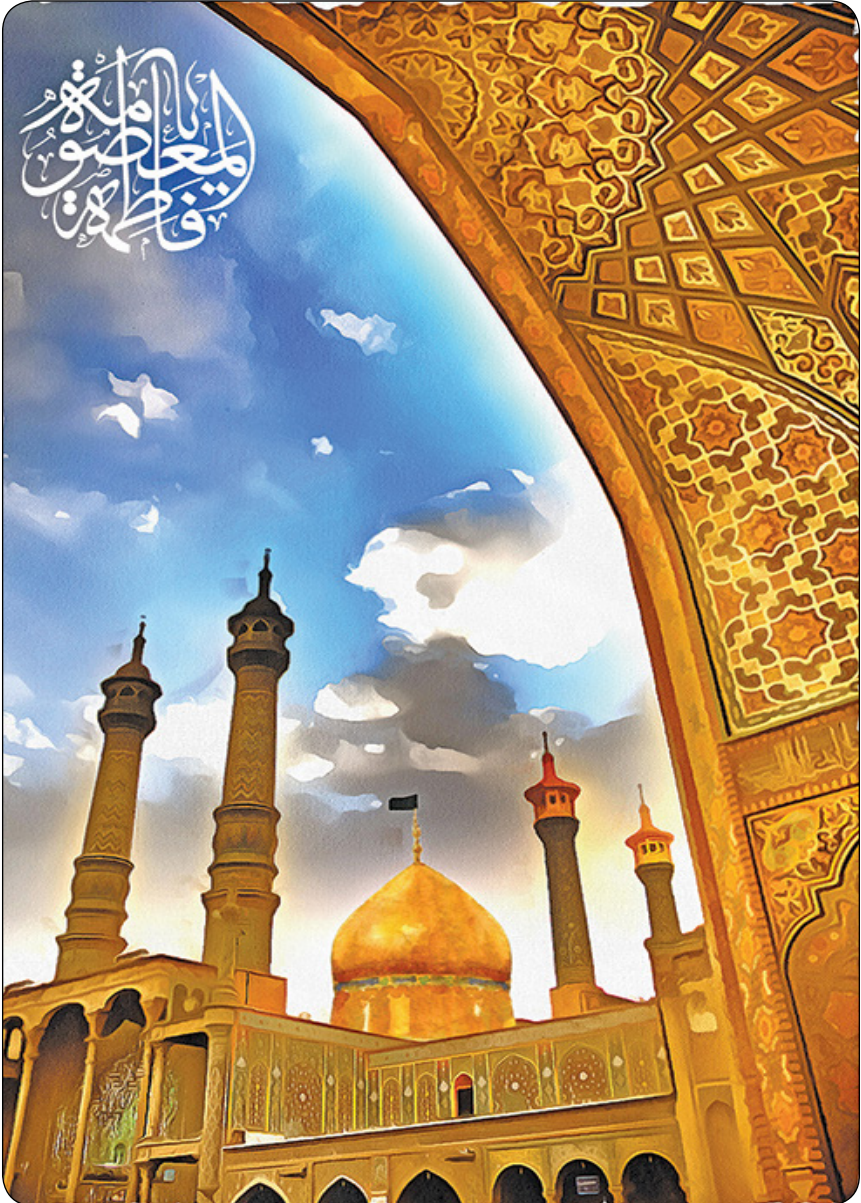
ولی اینها آن‌قدر مهم نیست که هدیه‌ای که یک رهبر به ملتش این باشد که این ملت را به خودش مؤمن و معتقد کند که بگوید: من نباید زیر بار دشمن بروم، زیر بار استبداد بروم، زیر بار استعمار بروم، من از خودم تاریخ دارم، از خودم فرهنگ دارم، من هیچ استبدادی ندارم که از غرب الگو بگیرم؛ ایجاد چنین روحیه‌ای در مردم بزرگ‌ترین هدیه یک رهبر به ملت خودش خواهد بود.

❖ مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آینده انقلاب اسلامی ایران)، ج ۲۴، ص: ۲۱۷ - با تلخیص و ویرایش

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

هجرت تمدن‌ساز حضرت معصومه(سا) به قم؛ از کنش عاطفی تا بنیاد تمدن اسلامی



حرکت حضرت معصومه(س) از مدینه به سوی ایران، معنایی فراتر از یک مسافرت خانوادگی می‌یابد. ایشان با کاروانی متشکل از چهارصد تن از رجال بنی‌هاشم، عامدانه مسیری را بر گزیدند که مأمون صراحتاً عبور امام رضا(ع) از آن جلوگیری کرده بود تا شریان ارتباطی ایشان با پایگاه‌های شیعی مسدود شود. بورش نظامی به این کاروان در ساه، شهادت برخی همراهان و بیماری جانکاه حضرت، گواه آن است که دستگاه خلافت، این حرکت را نه کاروانی از زائران، بلکه تهدیدی سترگ علیه امنیت شبکه حاکم می‌پنداشت. بنابر این، این هجرت را باید با هدف نصرت امامت تحلیل کرد.

علمی – تثبیت قم به‌عنوان مرکز تمدنی شیعه، این فرآیند البته یک تحول فوری و یک‌مرحله‌ای نبود، بلکه طی چند قرن تکامل یافت. هجرت حضرت معصومه(س) را همچنین باید در چارچوب بزرگ‌تر حضور خاندان اهل‌بیت(ع) در ایران تحلیل کرد. ورود امام رضا(ع) به ایران، حضور حضرت معصومه(س) در قم و حضور و دفن شمار زیادی از سادات در نقاط مختلف ایران، در طول زمان موجب تقویت پیوند میان ایران + تشیع + فرهنگ اهل‌بیت شد. در این فرآیند، شهرهای مختلفی دارای هویت شیعی شدند؛ اما قم به دلیل وجود حرم حضرت معصومه(س) موقعیتی ویژه پیدا کرد. از این منظر، هجرت حضرت معصومه(س) بخشی از فرآیند تاریخی اریزین‌شدن جغرافیای تشیع و شیعی‌شدن بخشی از هویت فرهنگی ایران بود. البته این فرآیند بسیار پیچیده‌تر از یک عامل منفرد بود و عوامل سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی متعددی در آن دخالت داشتند.

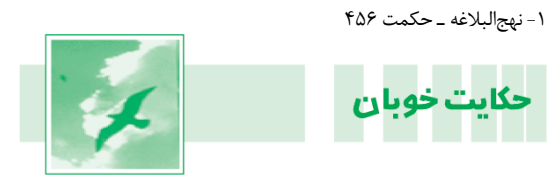
هجرت: کنش آگاهانه در مسیر نصرت امامت
در چنین فضای پرتلاطمی، حرکت حضرت معصومه(س) از مدینه به سوی ایران، معنایی فراتر از یک مسافرت خانوادگی می‌یابد. ایشان با کاروانی متشکل از چهارصد تن از رجال بنی‌هاشم، عمدانه مسیری را برگزیدند که مأمون صراحتاً از عبور امام رضا(ع) از آن جلوگیری کرده بود تا شریان ارتباطی ایشان با پایگاه‌های شیعی مسدود شود. بورش نظامی به این کاروان در ساه، شهادت برخی همراهان از این شبکه‌ها مشاهده کرد: مدینه، خاندان اهل‌بیت، امام رضا(ع)، ایران، قم، شبکه علما و زائران = تولید ناشر شیعی. بستر تاریخی و سیاسی هجرت: علویان در محاصره عباسیان

برای درک ابعاد تمدنی هجرت حضرت معصومه(س)، ناگزیر از شناخت فضای سیاسی و فرهنگی عصر مأمون هستیم. سال ۲۰۱ هجری، دوران اوج سیاست‌های پیچیده خلافت عباسی در مواجهه با خاندان علوی بود. مأمون، پس از به‌شدت رساندن امام هفتم، با رویکردی نرم اما پرمخاطر، امام رضا(ع) را از مدینه به مرو انتقال داد و با تحمیل ولائیت‌دهی، در پی آن بود تا جایگاه منصوص امامان شیعه را تا حد یک زعامت صرفاً معنوی و بی‌خطر تنزل دهد. حرکت امام رضا(ع) از مدینه به خراسان، به پایگاهی پیامدهای جغرافیایی و فرهنگی گسترده‌ای ایجاد کرد. حضرت معصومه(س) نیز پس از حرکت امام رضا(ع) به سوی ایران، برای دیدار ایشان راهی این سرزمین شدند. بنابر این، هجرت حضرت معصومه(س) را باید در پیوند با شبکه مهاجرت خاندان اهل‌بیت و سادات به ایران تحلیل کرد.

چرا قم؟
یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش این است که چرا کاروان حضرت معصومه(س) در نهایت به قم رسید. قم در آن دوره از سلسله مهمی در گرایش به تشیع برخوردار بود. قم که از اواخر قرن نخست هجری به‌دلیل مهاجرت شیعیان کوفه، از جمله خاندان اشعری، به پایگاهی شیعی تبدیل شده بود، در مسیر تبدیل شدن به کانون مهم مذهبی و علمی قرار داشت؛ اما در سایه سیاست‌های مأمون، فضای این شهر به جولانگاه رقعه‌ای چون واقفیه (معتزکان) امامت امام رضا، غلات، زبیدی و اسماعیلیه بدل شده بود و تشیع امامی در لبه پرتگاه استحاله و تفرقه ایستاده بود. از این منظر، ورود حضرت معصومه(س) به قم با یک بستر اجتماعی آماده مواجه شد. شهر می‌توان از این وضعیت را با مدل زیر نشان داد: هویت شیعی موجود در قم؛ ورود شخصیت وابسته به خاندان امامت؛ افزایش منزلت دینی شهر؛ تقویت زیارت و ارتباطات مذهبی؛ جذب علما، سادات و زائران؛ تقویت شبکه

از این منظر، اهمیت حضرت معصومه(س) تنها در جایگاه خانوادگی و معنوی ایشان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه حضور تاریخی حضرت در قم در شکل‌گیری یک کانون پایدار فرهنگی – علمی شیعه نقش بسزا داشته است.

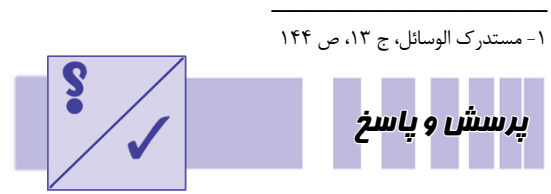
صفحه ۱۱
يكشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵
۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ - شماره ۲۴۲۳۹



جان‌های خود را جز با بهای بهشت نفروشید!
قال الإمام علی(ع): «لَا حَرْ يَدْعُ هَذِهِ اللَّطَافَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيَسَّ لَأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةَ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا.»
امام علی(ع) فرمود: آیا آزاده‌ای نیست که این دنیا را به اهلش واگذارد؟ همانا بهایی برای جان‌های شما جز بهشت وجود ندارد. پس آن را جز به بهشت نفروشید!
۱- هیچ‌الایلاف - حکمت ۴۵۶

توصیف زمان حاکمیت ضد ارزش‌ها
امام حسن عسکری(ع) فرمودند: زمانی بر مردم خواهد آمد که چهره‌های آن‌ها خندان و شاد باشد، ولی دل‌هایشان تیره و تاریک، سنت (پیامبر و اهلبیت) نزد آن‌ها بدعت و بدعت در بین آن‌ها سنت باشد.
مؤمن بین آن‌ها حقیر بوده و فاسق شکاک، فرق نمی‌گذارد و میش را از گرگ‌ها ستمگرند و علمای آن‌ها در کاخ‌ها و خانه‌های ستمگران رفت‌وآمد دارند (و درباری هستند). ثروتمندان توشه فقرا را می‌زدند و هر نادانی نزد آن‌ها اهل خیره به حساب می‌آید و هر آگاهی فقیر شمرده می‌شود.
بین شخص بااخلاق و شخص شکاک، فرق نمی‌گذارد و میش را از گرگ‌ها تشخیص نمی‌دهند. علمای آن‌ها بدترین مردم روی زمین می‌باشند؛ زیرا آن‌ها تمایل به صوفی‌گری (عزت‌نشیستی و زهد منفی) دارند. به‌خدا سوگند! آن‌ها اهل انحراف هستند. در دوستی مخالفین ما زیاده‌روی می‌کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می‌کنند.

از خورن رشوه سیر نمی‌شوند و خدا را ریاکارانه عبادت می‌کنند. بیدار باشند؛ این‌ها اهرزنان مؤمنان هستند و دعوت‌کنندگان به فرقه گمراهان. هر کسی آن‌ها را در درک کند، از آن‌ها دوری نماید و دین و ایمان خود را حفظ کند!
۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۴۴



تفاوت‌های دنیای بارزش با دنیای مذموم
پرسش:
از منظر آموزه‌های وحیانی، دنیای بارزش و مطلوب انسان‌ها، چه تفاوت‌هایی با دنیای بی‌ارزش و مذموم آنها دارد؟
پاسخ:

ویژگی‌های دنیای بارزش و ممدوح
دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، از دو منظر می‌توان به آن نگاه کرد:
۱- از منظر خلقت و ذات این دنیا که عمدتاً صیغه مادی دارد؛ ۲- از منظر تعلق و وابستگی به دنیا که نوع تعلق رابطه خاص غیرمادی است که به نوع پندار و جهان‌بینی انسان مربوط می‌شود. در اینجا به دو ویژگی دنیای بارزش و ممدوح اشاره می‌کنیم.

۱- مخلوق الهی
دنیای مادی که ما در آن زندگی می‌کنیم، شکی نیست که مخلوق ذات باری‌تعالی می‌باشد و بارها در قرآن کریم از آن به آیات الهی و آیات آفاقی یاد شده است، «تَسْبِيحُهُمْ أَتَانَتْهُ فَيُفِي الْأَقَا» ما «آیه‌ها و نشانه‌هایمان را در گوشه و کنار جهان به آنها نشان خواهیم داد (فصلت) ۵۳» و در آیه دیگری می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْخَالِقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخَتْلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآتِلٌ أُولَئِی الْأَلْبَابِ» و به‌اراستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در رفت‌وآمد شب و روز، نشانه‌هایی از خدا برای مردم عاقل است. (آل عمران- ۱۹۰)
بنابراین مجموعه مخلوقات و جلوه‌های مادی این عالم به‌عنوان آیات و نشانه‌های حق و عظمت و قدرت الهی مطرح شده که برای صاحبان عقل و خرد، محل تأمل و تفکر و تعلق می‌باشد.

۲- بستر رشد و تعالی انسان
انسان‌ها به‌عنوان مخلوق الهی که یک بُعد وجودی‌شان جنبه مادی می‌باشد، از این حیث با عالم مادی که در آن زندگی می‌کنند همخوانی داشته و توانایی خود را از عالم ماده جدا کنند و به کنج عزت و انزواوی غیرمادی کشیده شوند، چرا که در این صورت از رشد و تعالی و تکامل در این جهان که فلسفه وجودی آنها نیز می‌باشد، محروم خواهند شد.

بنابراین انسان زمانی می‌تواند به رشد و تکامل نایل شود که در بستر مادی آن برنامه‌ریزی کند و هدف غایی مسیر فلسفه وجودی خود را که ساختن فرد و جامعه در مسیر عبودیت و بندگی الهی باشد؛ محقق سازد.
پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «لَدُنِّيَا مَرْزَعَةُ الْأَخْرَجَةِ» دنیا گشتزار و مزرعه آخرت است. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸) یعنی انسان بشر رشد و تعالی و تکامل خود را باید در این دنیای مادی بگذرد تا به مقصد و مراد خود برسد.

ویژگی‌های دنیای بی‌ارزش و مذموم
۱- نگاه استقلالی و هدف قرار دادن دنیا
شکی نیست که انسان‌ها در این دنیا به‌صورت موقت و محدود زندگی می‌کنند؛ زیرا خداوند این دنیا بی‌نیست و در یک محدوده زمانی کوتاه زندگی، از این عالم رخت برمی‌پندند و به سرای آخرت انتقال می‌یابند.
است و آخرت سرای ابدی و همیشگی است.
در حدیث دیگری پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «حَاقَتْ خَلْقُ الْمَلَأَاءِ وَلَكِنْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تَنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ» شما انسان‌ها برای بقا خلق شده‌اید، نه برای نیستی و نابودی؛ (بنابراین) شما فقط از یک سرابه سرای دیگر منتقل می‌شوید. (بحارالانوار، ج ۶ ص ۲۴۹)
بنابراین نگاه مستقل به این دنیا به‌عنوان غای غایی (بی‌ارزش و مدموم است) و انسان باید نگذرد تا به مقصد و این عالم داشته باشد.

۲- تعلق و وابسته شدن به دنیا
چیزی که از نظر اسلام در رابطه با انسان و دنیا بی‌ارزش و مذمت شده و ناپایستنی است، و آفت و بیماری انسان تلقی می‌شود و اسلام در تعلیمات خویش مبارزاتی بی‌امان با آن دارد، تعلق و وابستگی انسان به دنیاست، نه علاقه و ارتباط و به دنیا وابستگی به دنیا در واقع اسیر زستی انسان است، نه آزادی‌زیستی او، هدف و مقصد قرار گرفتن دنیا است که وسیله و راه و مسیر واقع شدن آن. ارزش انسان به کمال مطلوب‌هایی است که جستجو می‌کند. بدیهی است اگر مطلوبی بالاتر از آن دارد، تعلق و وابستگی انسان به دنیاست، نه تلاش‌ها و آرزوهایش در همین حد باشد، ارزشی بیشتر از شکم نخواهد داشت. و این است که امام علی(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ هَمُّهُ بَطْنَةً فَذَرَهُ بَقْدَرٍ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ» آن‌کس که همه صمت و هدفش بر کردن شکمش باشد، ارزشش به اندازه همان چیزی است که او از خارج می‌شود.



دعوت به شرک!
مرحوم شیخ جعفر شوشتری، آن سال‌هایی که آن منبرهای معروف را در تهران می‌رفت، یک روز رفت بالای منبر و گفت: ایها الناس! همه پیغمبران آمده‌اند، شما را به توحید دعوت کرده‌اند؛ من آدم‌ها و شما را به شرک دعوت می‌کنم. خیلی نظر‌ها را به خود جلب کرد که این چه می‌گوید بعد گفت: همه پیغمبران آمدند و گفته‌اند فقط خدا را بپرستید؛ فقط برای خدا کار کنید. من می‌گویم - لایق - که همه متعت و هدفش بر کردن شکمش باشد، ارزشش به اندازه خالصانه غیر خدا نباشد!
۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری(ره)، (تبرد حق و باطل، فطرت، توحید) ج ۲، صص ۵۷۱ و ۵۷۲، با تلخیص و ویرایش

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری(ره)، (تبرد حق و باطل، فطرت، توحید) ج ۲، صص ۵۷۱ و ۵۷۲، با تلخیص و ویرایش